

بررسی تهدیدات هیبریدی علیه محور مقاومت

عنایت‌الله یزدانی^۱، جعفر عیدی نیشابوری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

چکیده:

با افزایش چگالی ارتباطات وابستگی‌های متقابل و تکرر بازیگران، سیستم روابط بین به سمت سامانه‌های پیچیده و آشوبی تحول یافته است. این موضوع تغییر نگاه در طرح‌ریزی‌های راهبردی و اعمال کنترل هوشمند در جهت تأمین منافع، تلاش برای ساختاردهی به محیط و اعمال تهدیدات بر پایه رویکردهای کوتاه‌مدتی و دانش سایبرنتیک را سبب گردیده است. در همین راستا مطالعات حوزه‌های امنیتی نیز تکامل یافته که با نگاه سیستمی بر پایه اصول پارادایم پیچیدگی و آشوب نوعی نوین از تهدیدات مؤثر بر بسترهای حیاتی جوامع انسانی را بر پایه کنشگری در محیطی شبکه‌ای، با عنوان تهدیدات هیبریدی رصد نموده است. فعال شدن این تهدیدات در منطقه غرب آسیا باعث گردیده‌اند کلیه کشورهای مشمول جغرافیای محور مقاومت با سطح بالایی از آنتروپی‌های سیستمی مواجه شده، تنش‌ها و آسیب‌های متعددی را در بسترهای مختلف تجربه نمایند. هدف از این مقاله ضمن آسیب‌شناسی پاسخ به این سؤال است که ماهیت و خصوصیات تهدیدات هیبریدی علیه محور مقاومت در منطقه غرب آسیا چیست؟ در پاسخ، این مفروض مطرح می‌شود که با اقبال به علم سایبرنتیک، تهدیداتی شبکه محور، متنوع و هوشمندانه در قالب نسل پنجم از جنگ‌ها در سطح جغرافیای محور مقاومت، با عنوان تهدیدات هیبریدی اجرایی گردیده است. در این مقاله تأکید می‌گردد بازیگران هیبریدی در محیطی خاکستری به اعمال فشار هوشمندانه بر آسیب‌پذیری‌های کشورهای منطقه پرداخته و هدف تغییر ساختار منطقه، نرمال‌سازی و ایجاد نظم مطلوب خود را با تضعیف و یا انهدام محور مقاومت تعقیب می‌نمایند. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای و گردآوری اطلاعات از منابع مختلف و با بکارگیری پارادایم پیچیدگی، سازمان‌یافته است و بر این یافته تأکید می‌نماید که راه مقابله مؤثر با تهدیدات مدرن و پیچیده هیبریدی ضمن پرهیز از تقلیل‌گرایی، بهره‌جستن از تنوع و هم‌افزایی ناشی از عملکرد در ابر شبکه‌ای چند سطحی در مقوله دفاع؛ و بهره بردن از علم سایبرنتیک در شناخت و کنترل است.

واژگان اصلی: آنتروپی، تهدیدات هیبریدی، سایبرنتیک، سیستم غیرخطی، غرب آسیا، کنترل، همگام‌سازی

مقدمه

حوزه‌های مطالعات امنیتی با ظهور جهش‌های فناورانه و قوت گرفتن روندهای جهانی شدن و فشردگی زمان و مکان و بروز وابستگی‌های متقابل در تجارت، فرهنگ، امنیت، ارتباطات و ظهور شبکه‌های بین‌المللی مختلف با کارکردهای متعدد، با چالش‌های نوینی در تعریف از امنیت، قدرت و کنترل تهدیدات، مواجه گردیده است. در حقیقت دنیای نوین به حدی پرشتاب و سرعت زده و درهم‌تنیده و پیچیده گردیده که تقلیل‌گرایی مرسوم در تحلیل‌های سنتی کار آیی خود را از دست داده است و قادر نیستند تحلیل‌های مناسب و پیش‌بینی‌های لازم را در جهت اقدام به‌موقع انجام دهند.

پارادایم پیچیدگی و آشوب که گروهی آن را سومین انقلاب علمی جهان می‌خوانند از حوزه علوم طبیعی که در آن محققان با نگاهی سیستمیک به پدیده‌های جهان می‌نگریستند و جهان را مجموعه‌ای متشکل از سیستم‌های مختلف و در نتیجه دارای خصوصیت پیچیدگی و رفتارهایی غیرخطی تصور می‌کردند، تبدیل به ابزاری کارآمد در حوزه امنیت، فرماندهی و کنترل گردید و افقی جدید را پیش روی بسیاری از محققان و تحلیلگران حوزه‌های امنیت و کنترل گشوده است. بر اساس یافته‌های این پارادایم نوین می‌توان سیستم روابط بین‌الملل را به‌عنوان شبکه‌ها و سیستم‌هایی درهم‌تنیده و تودرتو دانست که به علت تکرر اجزا و روابط درهم‌تنیده فزونی روزافزون جریان اطلاعات، ماده و انرژی و وابستگی‌های متقابل دارای پیچیدگی بسیار زیاد و متأثر از اصول نظریه آشوب می‌باشد. در این میان تهدیداتی خاص و هوشمند منطبق با محیط شبکه‌ای شده و شرایط فشردگی زمان و مکان و توسعه خیره‌کننده فناورانه، تحت عنوان تهدیدات نسل پنجم و تهدیدات هیبریدی رونمایی گردیده است.

تهدیدات هیبریدی تهدیداتی چندوجهی دارای ویژگی مشخصه ابهام که بر آسیب‌پذیری‌های اهداف در همه بسترهای حیاتی هدف متمرکز شده و بر اساس اصول سیستمی، نظم سیستم را هدف قرار داده و غلبه یافتن آنتروپی‌های سیستمی را در ساختار هدف دنبال می‌نمایند. بازی در محیطی خاکستری، کم‌هزینه بودن، تنوع و نبود محدودیت در بکارگیری کنش‌ها و بسترهای اعمال انرژی و استفاده مهاجمین از راهکنش‌های متعدد برای پیشبرد اهداف در سطوح مختلف امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایبری این مفهوم را به چالشی جدی برای اجزای سیستم روابط بین‌الملل تبدیل نموده است.

منطقه غرب آسیا و حوزه میدانی منطبق با جغرافیای مقاومت به‌عنوان یک زیرسیستم بسیار ناپایدار از سیستم روابط بین‌الملل و به‌شدت مؤثر بر تحولات سایر زیرسیستم‌های سطح نظام، مطابق با آموزه‌ها و دریافت‌های پارادایم پیچیدگی، بسیار پیچیده و نظر به ساختار و بروندهای نامتقارن آن بر لبه آشوب

گام برمی‌دارد. نظر به این مهم، بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی با پرهیز از هزینه‌های در پیش گرفتن مدل‌های کلاسیک نبرد باروی آوردن به نسل پنجم از نبردها، عمل مطابق با اصول تهدیدات و یا جنگ هیبریدی را ملاک عمل خود قرار داده‌اند تا با ایجاد ضعف و انشقاق و غلبه دادن آنتروپی‌های سیستمی به کلیت محور مقاومت ساختار سیستم منطقه‌ای را مطلوب منافع سیستمی خود تغییر داده و محیط برای رشد و تکامل موجودیت‌های بومی مقاوم در مقابل طرح‌های سلطه‌طلبانه محور غربی عبری نامساعد گردد.

تمرکز ما در به کار بردن اصول پیچیدگی و آشوب بر شناخت نحوه اثربخشی تهدیدات هیبریدی بر ثبات و نظم حاکم بر بسترهای مختلف سیستم منطبق با جغرافیای مقاومت و نحوه بروز آنتروپی‌ها و چگونگی کنترل و کاستن از اثربخشی و یا تقویت آن‌ها خواهد بود.

با توجه به مطالب فوق‌الذکر، پرسش اصلی این مقاله عبارت است از: ماهیت تهدیدات هیبریدی علیه اجزای محور مقاومت در نگاه پیچیدگی چیست؟ در این مقاله با این مفروض روبه‌رو هستیم؛ حوزه جغرافیایی منطبق با مقاومت با رویکرد سایبرنتیک و مطابق پارادایم پیچیدگی هدف جدی تهدیدات هیبریدی قرار گرفته که مخاطرات و آسیب‌های فراوان و تأسف باری را به منطقه تحمیل نموده است.

۱. بیان مسئله:

پس از پایان جنگ سرد، محیط امنیت بین‌الملل از قواعد حاکم بر دوره جنگ سرد فاصله گرفت و چالش‌های امنیتی نوین در قالب‌های جدید طراحی، اجرا و پدیدار گردیدند. نتیجه این تغییر نگرش در بروز تقابلات و تهدیدات مبتنی بر بروزترین دریافته‌های علمی و بر پایه توسعه تکنولوژی و ابزارهای پیشرفته و شیوه‌های مبتکرانه اثرگذاری ظاهر گردید که همگی به نحوی مولود و یا متأثر از تحولات مرتبط با جهانی شدن بودند. از طرفی همان‌گونه که نئورئالیست‌های تهاجمی مانند رابرت جرویس^۱ و جک اشنايدر^۲ ادعا می‌کنند بیشتر دولتمردان دریافته‌اند که امروزه هزینه‌های جنگ‌های آشکار بسیار بیشتر از منافع آن است (بیلیس و اسمیت، ۱۹۹۷: ۱۹).^۳ بنابراین رویکردهای جدیدی در حوزه‌های امنیت و قدرت مرسوم گردید که متأثر از مطرح شدن و بروز رویکردهای کثرت‌گرا در قبال مفهوم

۱. Robert Jervis

۲. Jack Snyder

۳. John Baylis and Steve Smith

قدرت بوده و به پاره‌پاره بودن قدرت در زمینه‌های مختلف اذعان دارد (گریفیتس، ۲۰۰۵:۱۰۲).^۱ قرن بیست و یکم با تغییرات زیاد در ماهیت و چالش‌های پیش روی روابط بین‌الملل آغاز گردید و به‌طور هم‌زمان نسلی جدید از تهدیدات منطبق با شرایط و تحولات سیستم روابط بین‌الملل ظهور نمود که با تار و مبهم بودن خطوط تمایز جنگ و سیاست، مبارزان و غیرنظامیان در قالب نسل چهارم جنگ‌ها شناخته می‌شد (چیفو، ۲۰۱۵:۲۰۳).^۲ نگاهی که معتقد به استفاده از همه منابع موجود و در اختیار و تبدیل توانایی‌های در دسترس، به قدرت تعیین نتایج است و مروج تهاجمی چندوجهی، چندگانه و پیچیده و ایجاد همگامی بین کنش‌ها و هم‌افزایی اثر آن‌ها، با استفاده از تکنیک‌ها و تاکتیک‌های مقتضی، غیرقابل پیش‌بینی، غیرمشابه، خلاقانه و مبتنی بر شرایط مکانی و زمانی با محوریت علوم سایبرنتیک و به‌منظور تأثیرگذاری مؤثر بر آسیب‌پذیری‌های هدف به‌قصد دستیابی به اهداف خاص است. تاکتیک‌هایی که می‌توانند شامل انواع مختلفی از تحریم‌ها، کنش‌های اجتماعی، سیاسی، سایبری و نظامی باشند که بسیار شبیه استفاده از یک سلاح با میزان متفاوتی از کشندگی است که در روش‌هایی بسیار خلاقانه مورد استفاده قرار گیرند (گاردنر، ۲۰۱۵).^۳

از طرفی به‌طور هم‌زمان تعابیر مشابهی نیز برای مفهوم امنیت پس از جنگ سرد مطرح گردید که نشان از نوعی کثرت‌گرایی در مفهوم امنیت بود. بدین معنا که امنیت صرفاً در زمینه‌های نظامی و تقابلات سخت محدود نمی‌گردید و هر بستری که به‌گونه‌ای می‌توانست موجودیت یک دولت و یا ملت را تحت تأثیر خود قرار دهد به حیطه مفاهیم امنیتی راه یافتند. دولت در نگاه هیبریدی دیگر به‌طور مطلق انحصاری بر امنیت نداشته و موضوع‌های امنیتی می‌توانند بیرون از بخش نظامی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی نیز قرار گیرند. بسیاری از این تهدیدات کمتر فیزیکی هستند و بیشتر از گفتار برمی‌خیزند، اما چون در صورت موفقیت می‌توانند باعث تغییر رژیم شوند دارای اهمیت بسزایی هستند (ویلیامز، ۲۰۲۰:۱۳۹۲).^۴

چندوجهی بودن فهم سیاسی و تعدد عناصر با گسترش ارتباطات و عمق یافتن وابستگی‌های متقابل و در هم تنیدگی اقتصادی، تکنولوژیکی، فرهنگی، حقوقی و گسترش روندهای جهانی‌شدن سیاست و ورود بازیگران جدید سبب افزایش متغیرهای دخیل در سیستم شبکه‌ای شده‌ی روابط

^۱. Girifiths

^۲. Chifu

^۳. Gardner

^۴. Williams

بین الملل گردید. این موضوع، خصوصیات جدیدی از زندگی سیاسی و مجموعه نوین از مسائل از قبیل عدم قطعیت، غیرقابل پیش بینی بودن، پیچیدگی محیطی و در هم تیدگی ارتباطات و تأثیرپذیری‌های شبکه محور را نمایان نمود؛ بنابراین مشکلات و تهدیداتی رخ نمود که باعث گردید تحلیل روندهای حاکم بر این سیستم‌ها با پارادایم‌های غالب و سنتی غیرممکن گردد و لزوم نگرش شبکه محور را به موضوع امنیت و تهدیدات مبتنی بر آن را برجسته می‌نماید. موضوعی که با اتکا به پارادایم پیچیدگی و آشوب و علم سایبرنتیک می‌توان چهارچوبی را برای تبیین، کشف و مقابله با تهدیدات نوین امنیتی ناشی از فراهم شدن زمینه‌های رشد و تکامل تقابلات شبکه محور و در نتیجه بروز تهدیدات نوین بر پایه کنش‌های چندوجهی که امروزه آن را تهدیدات هیبریدی می‌خوانیم، ارائه نمود. تهدیدات هیبریدی چهارچوبی را برای توصیف بازیگران و محیط در حال تحول و دگرگونی معاصر ارائه می‌دهد که روش‌های متداول ارزیابی تهدیدات متعارف را به چالش می‌کشند و از طرفی به درک ناهنجاری‌های موجود در محیط عملیاتی معاصر کمک نموده و چگونگی فرمولاسیون استراتژی‌های جدید، سیاست‌گذاری‌ها و تخصیص منابع را در آینده مشخص می‌نماید (فیلیمینگ، ۲۰۱۱: ۴).^۱

باور بر این است که شرایط محقق شده در سیستم روابط بین‌الملل و تحول یافتن آن به سمت پیچیدگی و آشوب زمینه را برای پیاده‌سازی و بهره‌گیری از تهدیدات هیبریدی، علیه محور مقاومت منافع داخلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ایران به‌ویژه در منطقه غرب آسیا (به‌عنوان حوزه کلیدی و مؤثر بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران) مساعد نموده است. یکی از بارزترین خصوصیات تهدیدات هیبریدی بر مبنای اصول نظریه پیچیدگی و آشوب، غیرخطی بودن نتایج حاصل از تأثیر تهدیدات است که در آن نظم حاکم بر سیستم بر اثر انرژی وارد شده به سیستم به‌صورت نامتقارن و آشوبناک دچار تغییر شده، نظم حاکم در سیستم شاخه‌ای گردیده و مسیر و روندی جدید را در شاخه‌های جدید می‌پیماید و این دوره گذار ایجاد شده با بی‌ثباتی فزاینده همراه خواهد بود (فیچتر، ۲۰۱۰: ۷۷).^۲

آنچه در این میان به‌طور تئوریک خطری جدی محور مقاومت محسوب می‌شود، این موضوع خواهد بود که کنشگران هیبریدی برای دستیابی به اهداف خود، در بسترها و لایه‌های مختلف، مؤلفه‌های حیاتی و نقاط آسیب‌پذیری کشورهای مشمول تعریف محور مقاومت را شناسایی نموده و در کثرتی از کنش‌های منظم و هدفمند، نظم موجود در سیستم را در کلیه زمینه‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد و

۱. Filiming

۲. Fichter

با تقویت آنتروپی‌های سیستمی زمینه ایجاد شاخه‌های جدید نظامی و مطلوب هدف خود، در سطوح منطقه‌ای و فضای داخلی کشورها را تعقیب می‌نمایند. در حوزه راهبردی شکل‌گیری و زایش شاخه‌های نوین نظامی با ستیزه‌ها و جنگ‌های خون‌بار همراه خواهد بود (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۱). بدین ترتیب سیستم هدف را در مسیر و به سمت نقطه دلخواه پیش برده و اهداف مدنظر خود که بنا بر گفته کلازویتس^۱ همان تأمین منافع سیاسی است را تأمین می‌نماید. به عبارتی روش هیبریدی، شیوه‌هایی جدید از تأمین منافع و تحمیل اراده بر هدف است که شامل اقدام در لایه‌های مختلف در جهت ایجاد بی‌ثباتی در کشور موردنظر بوده و مطابق پارادایم پیچیدگی و آشوب، وادار نمودن سیستم را به حرکت به سمت نقاط تعادلی جدید و وادارندگی سیستم به خود ساماندهی مبتنی بر خواست کشگر هیبریدی را دنبال می‌نماید.

آنچه تهدیدات هیبریدی را در سال‌های اخیر به مراتب دارای اثربخشی و خطر بیشتری کرده است سرعت، مقیاس، شدت و تجهیز آن با تغییرات سریع فناوریانه و به هم پیوستگی جهانی است. دبیر کل ناتو در واکنش جدی به این تغییرات در اجلاس ویژه مقابله با تهدیدات هیبریدی در فنلاند از آمادگی ویژه ناتو برای رویارویی با تهدیدات جدید بر پایه کنش‌های هیبریدی خبر می‌دهد و در جهت ارائه تعریفی از جنگ‌های هیبریدی این تهدیدات را روشی برای ایجاد ابهام و عدم قطعیت در مرز بین جنگ و صلح می‌نامد و هدف از آن را ایجاد اغتشاش و سردرگمی در اذهان ملت‌ها اعلام نمود (استولتبرگ، ۲۰۱۷)^۲. موقعیت استثنایی اعضای محور مقاومت در همه حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچری در عرصه روابط بین‌الملل، جغرافیای مقاومت را در کانون تحولات سیاسی امنیتی منطقه قرار داده و لبه تیز تهدیدات و جنگ هیبریدی را مطابق با آنچه نرمال ساختن رفتار خواننده می‌شود، به صورت جدی متوجه کشور و منطقه نموده است.

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق:

نظر به تحول سیستم روابط بین‌الملل به سمت پیچیدگی و آشوب و ظهور نسل‌های نوینی از شیوه‌های هدایت و کنترل در گذار جهانی شدن که بر مبنای دانش کوانتوم شبکه و سایبرنتیک قوام یافته است نگاه به حوزه امنیت و قدرت نیز با تحولی بنیادی مواجه گردیده است؛ بنابراین لازم می‌نماید

۱. Clausewitz

۲. Stoltenberg

به منظور مقابله دانش بنیان با تهدیدات نوپدید این مفاهیم به طور جد مورد توجه تصمیم سازان در سیستم فرماندهی و کنترل کشور قرار گیرد. موضوعی که باعث خواهد گردید تقلیلی گرایری رایج در فضای متأثر از پارادایم‌های نیوتنی به نگاه کل گرایانه متمایل و مقابله‌ای هوشمندانه با تهدیدات نوظهور روشمند و علمی تر محقق گردد.

۳. بررسی مختصر ادبیات تحقیق:

قاسمی (۱۳۹۷)، در کتابی با عنوان «نظریه پیچیدگی _ آشوب و جنگ در روابط بین الملل» ضمن تبیین و توصیف و تشریح نظریه آشوب و پیچیدگی و به استناد وقایع تاریخی و تحولات بین المللی و روند تکاملی تحولات اساسی در سازه‌های سیستم بین المللی به این واقعیت صحنه گذارده که اصول و شیوه‌های تهدیدات در دوره کنونی به سرعت در حال تغییر و آمیخته با پیچیدگی‌های علمی فراوانی است؛ لذا نویسنده تقابلات هیبریدی را در عصر جدید بر پایه و در چهارچوب این نظریه تبیین نموده است.

عیدی (۱۴۰۰)، در پایان نامه‌ای با عنوان «تهدیدات هیبریدی در غرب آسیا با تمرکز بر محوریت ایران» در مقطع ارشد، ثبت شده و قابل بازیابی از گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک) دانشگاه اصفهان، ضمن تبیین مفاهیم مرتبط با تهدیدات هیبریدی سعی نموده است وقوع تهدیدات هیبریدی را در کشورهای منطقه غرب آسیا علی الخصوص جمهوری اسلامی ایران را در مقیاسی گسترده مورد توجه قرار دهد و این مفهوم را اثبات نماید که هدف از این تهدیدات کنترل و هدایت هوشمند ایران و شبکه همسو به سمت وسوی آنچه نرمالایسون منطبق با منافع سیستمی غرب خوانده می شود، می باشد. ستاری خواه و خادم (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «ماهیت صحنه جنگ ترکیبی آینده احتمالی علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴» بر این عقیده هستند که بر اساس نتایج حاصل از تحقیق مشخص گردیده که ماهیت صحنه جنگ‌های ترکیبی آینده علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ بر اساس شاخص‌های عدم قطعیت آینده مشتمل بر تهدید بازدارندگی و تعاملات بین المللی در هشت حوزه تهاجم نظامی، جنگ‌های نیابتی دولتی و غیردولتی، براندازی نرم، تحریم همه جانبه، بی‌ثبات سازی داخلی، تنش مقطعی و نافرمانی، نفوذ و استحاله قابل بررسی و دسته بندی است که مهم ترین ویژگی آن استفاده از سلاح‌های نوین، فضای مجازی و رسانه‌ای و تمرکز بر جنگ اطلاعاتی، امنیتی، قومی و مذهبی است.

دیشپاند^۱ (۲۰۱۸)، از انستیتو دفاعی دهلی نو در کتابی با عنوان «جنگ‌های هیبریدی ویژگی‌های در حال تغییر کشمکش‌ها» به‌طور مفصل به تعریف و توصیف جوانب مختلف تهدیدات هیبریدی پرداخته و عنوان نموده که صحنه روابط بین‌الملل دستخوش تغییرات اساسی در خصوص نحوه اثرگذاری کشورها بر یکدیگر و متعاقب آن تغییر نحوه تهدیدات است. وی نحوه عملکرد روسیه در اوکراین و تحولات جاری در غرب آسیا شامل سوریه، عراق، لبنان و یمن و همچنین تهدیدات هیبریدی در جنوب آسیا را نیز در چهارچوب تهدیدات نوین تبیین نموده است.

ساشا دومینیک باکمان^۲ و هاکان گونریسون^۳ (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای با عنوان «جنگ‌های ترکیبی: تهدیدات سده ۲۱ م در قبال صلح و امنیت جهان» وقوع شکل جدیدی از جنگ را به نام جنگ ترکیبی یادآور می‌گردند و با توجه وقایع اوکراین و روسیه و ظهور گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه غرب آسیا پیش‌بینی می‌نمایند که اصول تهاجم و تأثیرگذاری از رویکردهای سنتی فاصله گرفته و در آینده با تغییرات جدی مواجه خواهد شد.

هوینن^۴ (۲۰۱۱)، در یک رساله با عنوان «جنگ ترکیبی، جنگ مرکبی دیگر؟» سعی نموده است تعاریف مختلف این مفهوم را موردتوجه قرار دهد و عنوان می‌دارد بعد از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ صحنه رزم و تهدیدات با انقلابی اساسی (RMA)^۵ مواجه گردیده است و نیروهای نظامی و ارتش‌های پیشرفته می‌بایست خود را برای تغییر اساسی در صحنه رزم آماده نمایند. گزارش اجلاس امنیتی مونیخ^۶ (۲۰۱۵)، به‌طور رسمی از بروز تقابلات و تهدیدات هیبریدی در سطح جهان و علی‌الخصوص روابط روسیه و ناتو پرده برداشت و ضمن ارائه تعریفی مختصر از تهدیدات هیبریدی در روابط بین‌الملل و عملکرد روسیه در اوکراین مؤلفه هشت‌گانه آن را در قالب دیاگرامی گویا به حاضرین ارائه نمود. انتشار رسمی این گزارش موجبات توجه بیشتر سایر کشورها و مراکز امنیتی جهان را به این موضوع فراهم آورد.

به‌جز پایان‌نامه عنوان‌شده در متن، در سایر موارد پیش‌گفته عمده توجه بر تعاریف، کلیات، بسترها

۱. Deshpande

۲. Bachman

۳. Gunneriusson

۴. Huovinen

۵. Revolution in Military Affairs

۶. Munich Security Conference-2015

و دلایل بروز تهدیدات هیبریدی و ارائه مثال‌های محدود از آن در سیستم روابط بین‌الملل بوده که به‌ندرت از پارادایم نوین پیچیدگی برای تحلیل آن‌ها استفاده گردیده و در هیچ‌یک به‌طور مشخص بر تهدیدات هیبریدی علیه محور مقاومت متمرکز نبوده‌اند.

۴. هدف پژوهش:

تبیین و توصیف نسل نوینی از تهدیدات و جنگ‌های محقق شده در سیستم شبکه‌ای شده روابط بین‌الملل بر مبنای پارادایم کوانتومی پیچیدگی و آشوب و تبیین چگونگی اعمال این تهدیدات علیه اجزاء محور مقاومت.

۵. روش‌شناسی:

این مقاله با استفاده از پارادایم پیچیدگی و آشوب، نگاه شبکه محور و سیستمیک، سعی در تبیین و توصیف آسیب‌های عملیاتی شده به سبک نسل پنجم از تهدیدات و متوجه محور مقاومت نموده است. روش پژوهشی مورد استفاده در این پژوهش توصیفی تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع در دسترس از منابع مورد وثوق از قبیل دانشگاه‌های روابط بین‌الملل و پژوهشکده‌های امنیتی و نهادهای نظامی کشورهای مختلف می‌باشد.

۶. چهارچوب نظری:

بهره‌مندی از یک چهارچوب قدرتمند تحلیلی که بتواند محقق را در دستیابی به یک نتیجه‌گیری دقیق و کاربردی کمک نماید بسیار لازم و ضروری است. در جهان کنونی عدم موفقیت نسبی پارادایم‌های مرسوم و غالب در حوزه علوم انسانی و روابط بین‌الملل، در پیش‌بینی روندها و یافتن راهبردهای موفق در حوزه کنترل پدیده‌های سیاسی و اجتماعی، باعث گردید پارادایم‌های جدید برای تبیین بهتر پدیده‌های سیستم روابط بین‌الملل مورد توجه تحلیلگران قرار گیرد.

۶-۱ پارادایم پیچیدگی و آشوب:

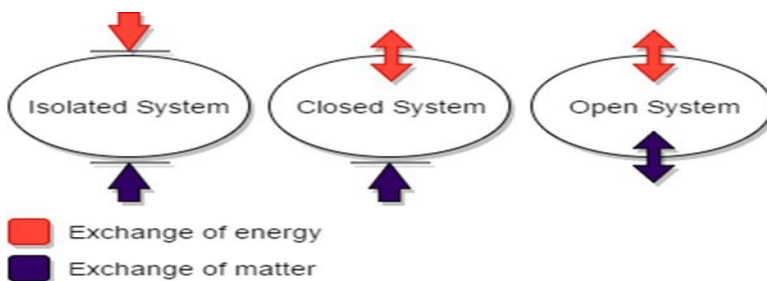
پارادایم نوین پیچیدگی و آشوب، به‌عنوان سومین انقلاب علمی جهان پس از نسبیّت و فیزیک کوانتوم توانسته جایگاه درخوری را در زمینه‌های مختلف علمی به دست آورد. پیچیدگی و آشوب پارادایمی نوین در حوزه مطالعه سیستم‌های باز و غیرخطی بوده که به‌واسطه سطح بالای ارتباطات و تبادل داده و انرژی با محیط متأثر از متغیرهای فراوانی می‌باشند. هم‌افزایی اجزا

این سیستم‌ها و برهم‌نهی خروجی‌ها منجر به بروز رفتار آشوبناک در سیستم گردیده و کلی بزرگ‌تر از مجموع اجزا را محقق می‌نمایند. به عبارتی تئوری پیچیدگی بافاصله گرفتن از نگاه سنتی بر این اصل که کلیت بزرگ‌تر از مجموع اجزاست، تأکید می‌نماید (مورلیج و پلیسر، ۲۰۱۰: ۲۷۶)^۱

آشوب به استناد اصول خود جهان را دارای نظامی پویا، غیرخطی، پیچیده و متأثر از متغیرهای گوناگون می‌داند که در عین ظاهری بی‌نظم حاوی نوعی از نظم و هدفمندی سیستمیک است. لازم است این مسئله روشن گردد که مفهوم آشوب (Chaos) در نظریه پیچیدگی و آشوب به مفهوم رایج آشوب (chaos) ("small c") در جوامع بشری به معنی آناشسی و هرج و مرج بکار نمی‌رود. اولی مفهومی در علوم طبیعی و ریاضیات و دومی مفهومی اجتماعی و مدیریتی در مدیریت جوامع انسانی است بنابراین نباید این دو باهم به یک مفهوم گرفته شوند (گلن، ۱۹۹۶: ۲)^۲.

۱-۱-۶ سیستم‌های باز و بسته

سیستم‌های ایزوله هیچ‌گونه ارتباطی به صورت مبادله انرژی و اطلاعات ندارند. خصوصیت این سیستم‌ها تمایل به سکون و در نتیجه غلبه آنتروپی‌ها خواهد بود. برعکس، سیستم‌های باز پیچیده یادگیرنده، خودسامانده و سعی در ایجاد تعادل با محیط داشته و با محیط خود دائماً در ارتباط و تعامل هستند (شکل ۱).



شکل ۱: انواع سیستم به لحاظ تبادل با محیط (Alwa, 2016)

۲-۱-۶ سیستم‌های پیچیده و آشوبی:

یکی از نخستین ویژگی‌های ساختاری سیستم‌های پیچیده، تعداد اجزاء بسیار زیاد در کنار چگالی بسیار بالای اطلاعات مابین اجزا سیستم است (وکیلی، ۱۳۹۸: ۷۴). حال این سیستم‌های پیچیده با رفتاری به شدت پیش‌بینی‌ناپذیر و برون‌دادهای نامتقارن با سطح درونداد، سیستم‌های آشوبی خوانده

۱. Morlidge & Player

۲. Glenn

می‌شوند. این سیستم‌ها به صورت تناوبی یا شبه تناوبی برونداد نخواهند داشت لکن در عین بی‌نظمی ظاهری، دارای نظمی نهفته هستند. به دیگر سخن آشوب در نظم و نظم در آشوب نهفته است (داور پناه، ۱۳۹۵: ۹۸).

۳-۱-۶ حساسیت به شرایط اولیه:

حساسیت و وابستگی به شرایط اولیه به این معنا خواهد بود که تغییرات کوچک در یک سامانه پیچیده و غیرخطی در گذشته، تأثیراتی بسیار گسترده و گاهاً غیرقابل پیش‌بینی در آینده خواهد داشت (کارینی، ۲۰۱۷: ۴)^۱ تفاوت بین سیستم‌های خطی و غیرخطی ناشی از تفاوت‌هایی است که در مکانیسم عمل سیستم‌های پیچیده با خاصیت غیرخطی و حساسیت شدید به شرایط اولیه نسبت به سیستم‌های ساده با خصوصیت خطی بودن وجود دارد. در سیستم غیرخطی رفتار سیستم، سیستم را پیش‌بینی ناپذیر و یا به‌سختی قابل پیش‌بینی می‌نماید.

۴-۱-۶ سازگاری پویا:

سیستم‌های پیچیده و آشوبی دارای توان خودسامان دهی هستند. به عبارت دیگر خودکنترل و خود نظم می‌باشند. لازمه خود ساماندهی آگاهی نسبت به وضعیت موجود خود و تفاوت آن با وضعیت عموماً مطلوب است (داور پناه، ۱۳۹۵: ۱۰۲)؛ بنابراین می‌توان این‌گونه استدلال کرد اگر سیستم پیچیده قادر است خود را با شرایط محیطی و انرژی‌های وارده به سیستم وفق داده و سازواری پیدا نماید پس در جهت اجرایی کردن و اعمال کنترل سایبرنتیکی بر اهداف، می‌توان محیط فعالیت سیستم را هدفمند و مطابق نظر و اهداف تصمیم سازان تغییر داد.

۵-۱-۶ خاصیت خود مانایی:

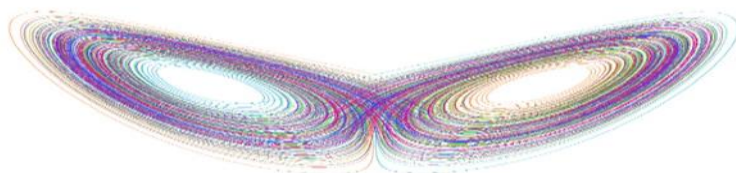
در معادلات آشوبی، الگوی ترسیمی نشانگر نوعی شباهت بین اجزا و کل هستند. بدین ترتیب که هر جزئی از الگو همانند و مشابه کل است (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۹۴: ۵۹). این موضوع استحکام بر مبنای هوشمندی در سیستم در خودساماندهی و مقاومت در مقابل فشارهای سیستمی را ایجاد می‌نماید.

۶-۱-۶ جاذبه غریب:

این اصل بر وجود نقاط فازی معین در روند تکاملی سیستم‌های پیچیده و آشوبی دلالت دارد. بر این اساس به‌واسطه باز بودن سیستم و پس از دریافت انرژی از محیط، سیستم از تعادل اولیه خارج شده

^۱. Cariny

و حرکت خود را به سمت نقطه تعادلی نامشخص و جدید آغاز می‌نماید. این ویژگی با کلی‌نگری و داشتن دید وسیع و سیستماتیک در حقیقت تکامل رفتار بلندمدت سیستم را نشان می‌دهد (گلابچی و فرجی ۱۳۹۲: ۳۹).



شکل ۲: جاذبه غریب (Li, C, Sprott, 2014)

۶-۱-۷ شاخه‌ای شدن نظم

شاخه‌ای شدن نظم یعنی شکل‌گیری شاخه‌های فرعی نظم در سیستم (فاسمی، ۱۳۹۷: ۹). بدین معنی که نظم سیستم با ورود انرژی به آن یا اعمال تغییر هرچند کوچک در یک سیستم پیچیده که بنا بر مباحث فوق دارای قابلیت آشوبی و عکس‌العمل‌های غیرخطی نیز است، دچار بی‌ثباتی شده و نظم در آن‌ها از سطحی به سطح دیگر تغییر می‌کند.

۷. سایبرنتیک

سایبرنتیک به‌عنوان نظریه کنترل مکانیسم‌ها در تکنولوژی و طبیعت متکی بر مفاهیم اطلاعات و پسخوراند جزء مهمی از نظریه سیستم‌هاست (داور پناه، ۱۳۹۵، ۴۵). تحلیل سایبرنتیکی ذاتاً موضوعی فرا رشته‌ای است که می‌تواند از هر نوع سیستم فیزیکی، فناوری، بیولوژیکی، اکولوژیکی، روان‌شناختی و اجتماعی یا هر ترکیبی از آن‌ها، برای درک، مدل‌سازی و طراحی سیستم‌ها استفاده نماید. گرچه رویکرد سیستم‌ها اصولاً انواع سیستم‌ها را در نظر می‌گیرد، اما در عمل روی سیستم‌های پیچیده‌تر، سازگار و خودتنظیم، تنظیم می‌شود که می‌توانیم آن‌ها را سایبرنتیک بنامیم. سایبرنتیک علمی است که اصول انتزاعی سازمان را در سیستم‌های پیچیده بررسی می‌کند (هیلینگن و جوسلین، ۲۰۰۱: ۲)^۱. این علم در هدایت هوشمند سیستم‌های مطرح در سطح سیستم روابط بین‌الملل بسیار کاربردی و ملاک عمل در روند اجرایی کردن تهدیدات هیبریدی است. امروزه شاخه‌های متعددی از این دانش مؤثر بر بسترهای

۱. Heylighen, F. Joslyn, C. 0

مختلف جنگ‌های نوظهور رونمایی گردیده است که می‌توان از سایکو سایبرنتیک، اکانو سایبرنتیک^۱، بایو سایبرنتیک^۲، اکوسایبرنتیک^۳ و دیگر موارد یاد نمود.

۸. تهدیدات هیبریدی^۴

با توجه به افزایش سطح فناوری‌های مخرب نظامی و از طرفی افزایش هزینه‌های ساخت، تولید و بهره‌برداری از این گونه سلاح‌ها و احتمال پیامدهای فاجعه‌بار، بازیگران صحنه روابط بین‌الملل نفوذ و کنترل را در گونه‌ای دیگر از راهبردهای جدید تعقیب می‌نمایند. راهبردهایی که در آن عمل بر مبنای استفاده از شرایط نوین صحنه روابط بین‌الملل یعنی شبکه‌ای شدن و تحول سیستم به سمت پیچیدگی و آشوب شالوده آن می‌باشد. بر این اساس بازیگران، کنترل هوشمند و علم سایبرنتیک در جهت وادارندگی اجزاء سیستم و زیرسیستم‌های موجود در صحنه روابط بین‌الملل را سرلوحه کار و تفکر خود قرار داده‌اند. ثمره این تفکر شبکه محور، ظهور تهدیدات و جنگ‌های چندوجهی و چند سطحی بسیار پیچیده و مبهم به نام تهدیدات و یا جنگ‌های هیبریدی است. تهدیداتی که در محیطی خاکستری^۵ و زیر آستانه تحمل سیستم هدف و غالباً نه به قصد انهدام کامل بلکه بیشتر باهدف کنترل هوشمند و هدایت سایبرنتیکی سیستم هدف به سمت مطلوب بازیگران هیبریدی اجرایی می‌گردند (شکل ۳). قدرت حاصل از تهدیدات هیبریدی نتیجه‌ای از اصل برهم نهی ناشی از همگام‌سازی تهدیدات در بسترهای مختلف بوده که کلی بزرگ‌تر از مجموع تهدیدات را ایجاد خواهد نمود.

۱. Econocybernetic

۲. Biocybernetic

۳. Ecocybernetic

۴. hybrid war fare

۵. Gray Zone



Source: MSC

شکل ۳. بسترهای تهدیدات هیبریدی (Bunde, Franke, Oroz, Wittek, 2015)

۸-۱ مکانیسم عمل تهدیدات هیبریدی^۱

رویکردهای جدیدی در حوزه‌های امنیت و قدرت متأثر از مطرح شدن و بروز رویکردهایی کثرت‌گرا در قبال مفهوم قدرت به پاره‌پاره بودن قدرت در زمینه‌های مختلف اذعان دارد (گریفیتس، ۲۰۰۵: ۱۰۲). اساس گفتمان تحلیلی در پارادایم پیچیدگی و آشوب بر کنترل و نظریه سیستم‌های سایبرنتیکی نهاده شده است. این نگاه، سیستم جهانی را به‌عنوان یک سیستم بسیار پیچیده و شبکه‌ای متأثر از اصول پارادایم پیچیدگی و آشوب در نظر می‌گیرد که در قالب یک شبکه جهانی دارای نظم چند سطحی به تناسب سیستم‌ها و زیرسیستم‌های موجود و به‌صورت تجمیعی از موجودیت‌های جداگانه که با قواعد کنش متقابل در شکلی از کنترل هم‌بسته شده‌اند عمل خواهند نمود. در چنین شبکه‌ای با ارتباطات درهم‌تنیده، اجزاء به‌شدت از کنش‌های هم تأثیرپذیر خواهند بود (گیلپین، ۱۹۸۱: ۶). بر این اساس مکانیسم عمل تهدیدات هیبریدی در رویکردی کثرت‌گرا و کل‌نگرانه به‌گونه‌ای است که به‌جای برخورد قطعی و مستقیم و ایجاد جنگی تمام‌عیار، ترجیح بر اعمال تغییرات گسترده و متنوع و پیچیده در محیط تکاملی سیستم است. به‌گونه‌ای که نظم در سیستم هدف شاخه‌ای شده و سیستم در مسیر تکاملی خود با جذب به سمت نقطه جذاب ناآشنا مطلوب خواست بازیگران هیبریدی، اهداف آن‌ها را به‌صورت خودتنظیم ظهور دهند. به‌گونه‌ای که نظم موجود در سیستم، با تداوم اعمال انرژی هوشمند و هدفمند بر سیستم، دچار تنش شده و به‌تدریج از حالت ثبات خود خارج و بر اساس اصل خود ساماندهی و ظهور یابندگی، الگویی نوین از نظم را به نمایش می‌گذارد. به‌عنوان مثال

^۱ در این مقاله مفاهیم تهدیدات هیبریدی و جنگ‌های هیبریدی با اغماض برخورد گردیده است.

بازیگران هیبریدی اعم از خصوصی و یا دولتی در حوزه اجتماعی با ایجاد زمینه‌های مساعد برای تشدید گسل‌های قومی و مذهبی در منطقه هدف موجبات تجزیه کشورها و یا فروپاشی اتحادها را فراهم می‌آورند. بنا بر تعریف تهدیدات هیبریدی در اجلاس امنیتی مونیخ این تهدیدات، تهدیداتی چندوجهی و متنوع دارای مشخصه ابهام و اجرایی در محیطی خاکستری و زیر آستانه تحمل هدف خواهد بود (Munich Security Conference, 2015). این تهدیدات مشخصاً بر نقاط آسیب‌پذیری اهداف و در کلیه بسترها متمرکز خواهند بود. به دیگر سخن بازیگران هیبریدی با هدف قرار دادن نقاط آسیب‌پذیری اهداف و ایجاد درد در سیستم، با ایجاد خطای محاسباتی سیستم را به سمت مطلوب خود سوق خواهند داد (نیفیو، ۱۳۹۸: ۳۱). باید دانست همگام‌سازی^۱ و هم‌افزایی تنش‌های ناشی از مداخلات هدفمند و اختلال نظمی در بسترهای مختلف و ترکیب حالت‌های مختلف متعارف و غیرمتعارف جنگ، به صورت مبهم و فریبنده باعث ایجاد رزونانس در بی‌نظمی خواهند گردید (بج من، ۲۰۱۵: ۹۷۹). این مفهوم در صورتی که به شکست هرچند کوچک در سیستم هدف بیانجامد بنا بر اصل حساسیت سیستم به شرایط اولیه و اصل هم‌تکاملی قادر است شکست آشناری^۲ در سیستم را سبب گردد. در این وضعیت حساسیت و آسیب‌پذیری در سامانه گسترش خواهد یافت و کوچک‌ترین تکانه‌ای در سامانه تمام واحدهای منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار خواهد داد (فرهادی و یزدانی، ۱۳۹۸). لازمه درک این سطح از پیچیدگی و ابهام دوری از نگاه تقلیل‌گرایانه و خطی به کشف روابط علت معمولی در پدیده‌های موجود در سطح سیستم‌های فعال در سیستم روابط بین‌الملل می‌باشد. تحدید رشد سیستم هدف، افزایش بی‌نظمی و آنتروپی در سیستم، شاخه‌ای شدن نظم، ورود سیستم به دوره گذار، هدایت و کنترل عمدتاً سایبرنتیک سیستم، به سمت نقطه جذاب غریب مطلوب بازیگر هیبریدی راهبرد کلی در اجرایی نمودن این‌گونه تهدیدات خواهد بود.

^۱ - Synchronization

^۲ - Cascading Failure



شکل ۴: تهدیدات هیبریدی در هم‌افزایی با دانش سایبرنتیک منبع: نگارندگان

۹. محور مقاومت

آنچه در اصطلاح محور مقاومت خوانده می‌شود را شاید با اغماض بتوان زیرسیستمی از سیستم روابط بین‌الملل و نوعی شبکه منطقه‌ای در منطقه غرب آسیا دانست. زیرسیستمی که با محوریت جمهوری اسلامی ایران در مقابل پروژه‌های ساختار دهنده به منطقه در پروسه جهانی شدن، از خود مقاومت نشان داده و سعی می‌نماید ساختار و شاکله منطقه را با مقاومتی مثال‌زدنی، مطلوب ملل ستمدیده این حوزه تغییر و یا حفظ نماید. موضوعی که در نگاه علمی و سیستمیک و منطبق با تفکر شبکه‌ای، هدف مهیا و نمودن شرایط محیطی برای خودسامان دهی و شکل دهی به شبکه منطقه‌ای غرب آسیا را منطبق با مطلوب کشورها و گروه‌های عضو دنبال می‌نماید.

برابر نگاه نوین به تعریف قدرت، قدرت توان ایجاد شبکه و ایفای نقش محوریت در شبکه همسو است. ریشه این نگاه را می‌توان در قانون تنوع اشبی^۱ جستجو کرد. اصلی که بیان می‌دارد در مقابل پیچیدگی‌های سیستمیک، می‌بایست متنوع ظاهر شد. به عبارتی یک سیستم زنده و پایدار

۱. asahby

می ماند تا حدی که بتواند مطابق با تنوع و پیچیدگی محیط، تنوع و پیچیدگی ارائه نماید (بوسوت، کلوی، ۲۰۱۱: ۲۷۹)^۱. این هدف جز در سایه تنوع ناشی از اشتراک مساعی، تنوع در تفکرات همسو و هم‌افزایی مثبت ناشی از عملکرد همسو و استفاده از اصل وحدت در عین کثرت اجزای یک سیستم شبکه‌ای میسر نمی‌گردد. نظر به پیچیدگی سیستم روابط بین‌الملل و آشوبناک بودن این سیستم که قابلیت اجرایی شدن تهدیدات به‌غایت پیچیده هیبریدی را به موجودیت‌های سیاسی قرن ۲۱ تحمیل می‌نماید، ملل، گروه‌ها و برخی از دولت‌های حوزه غرب آسیا که به‌طور معقول تهدیدات مشابهی را از سوی ناتو و غرب و بازیگران منطقه‌ای همسو با رژیم صهیونیستی رصد نموده‌اند با پیوستن به شبکه‌ای هم‌افزا تحت عنوان محور مقاومت اصل تنوع و راهبرد هم‌افزایی را در مقابله با پیچیدگی‌های تهدیدات نوین محقق نموده‌اند.

۹-۱ تهدیدات هیبریدی متوجه محور مقاومت

با توجه به تعریفی که از ماهیت پیچیده تهدیدات هیبریدی ارائه گردید باید بر این باور پافشاری کرد که این تهدیدات را نمی‌توان با تقلیل‌گرایی و یا تقطیع زمانی و یا نگاه ایده‌آلیستی در صحنه روابط بین‌الملل رصد نمود. بنا بر تعریف این تهدیدات تمامی حوزه‌های حیاتی موجودیت‌های سیاسی منطقه غرب آسیا را با رویکردهای هدایت سایبرنتیکی مورد هدف قرار داده‌اند و این موضوع محدود به بازه زمانی ۴۰ ساله انقلاب اسلامی نبوده بلکه آنچه را که امروز در منطقه احساس می‌نماییم در حقیقت پیگیری طرح‌های بلندمدتی همچون سایکس پیکو، ینون و نمود امروزی آن‌ها در قالب طرح خاورمیانه بزرگ است (شکل ۵). در مقام ارائه تحلیلی سیستمیک بر پایه پارادایم پیچیدگی و آشوب از طرح‌های فوق‌الذکر باید عنوان نمود که با توجه به این اصل که توقف و کندی رشد سیستم‌ها منجر به تقویت آنتروپی‌های سیستمی خواهد شد (گلابچی و فرجی، ۱۳۹۲: ۱۳۲)؛ و از طرفی رشد مداوم و سازنده نیاز به دسترسی به منابع نامحدود انرژی و سایر منابع مادی و معنوی خواهد داشت، پس با توجه به محدودیت منابع در سطح سیستم، تمرکز و تلاش غرب در جهت تسلط همیشگی بر ساختارهای مادی و معنوی حوزه ثروتمند غرب آسیا به‌منظور تضمین رشد لیبرال سرمایه‌داری، امری بدیهی است. اندیشه‌های نوین بر پایه دانش سایبرنتیک، هدایت و کنترل هوشمند و سایبرنتیکی موجودیت‌ها را بر مبنای ارجحیت تهاجم ترکیبی در معادله دفاع-تهاجم توصیه می‌نماید. به عبارتی هدایت هوشمند بر

^۱. Boisot, M. & McKelvey

مبنای اصل خودتنظیمی در سیستم‌های آشوبی، بر این یافته تأکید و مجموعه ناتو محور غربی-عبری را مجاب می‌نماید که منطقه غرب آسیا می‌بایست به‌گونه‌ای ساختاردهی شود که موجودیت‌های سیاسی و اجتماعی این حوزه به‌طور خودتنظیم اهداف مطلوب غرب را تأمین نمایند. بر اساس موارد گفته‌شده ظهور این طرح غربی-عبری در طرح خاورمیانه بزرگ و راهبرد دستیابی به آن، تهدیدات هیبریدی هوشمند و چهارچوب نظری آن پیچیدگی و آشوب و نگاه سایبرنتیک خواهد بود.



شکل ۵: ساختاردهی به منطقه غرب آسیا (نگارندگان)



شکل ۶: تهدیدات هیبریدی علیه محور مقاومت (نگارندگان)

۹-۲ تهدیدات هیبریدی در بستر فرهنگی

عموماً تمامی کشورهای منطقه غرب آسیا در یک صد سال اخیر با مقوله تهاجم فرهنگی و دور شدن از آموزه‌های دین مبین اسلام و گرایش به مدرنیته مواجه بوده‌اند که در بسیاری از موارد این روند در قالب پروژه‌های دولتی و یا سازمان‌های بین‌المللی تعقیب گردیده است. ابزار مورد استفاده در این تهدید شاخه فرهنگی و ادراکی سایبرنتیک یعنی کالتو سایبرنتیک^۱ یا همان ترکیب فرهنگ و دانش سایبرنتیک می‌باشد. نمونه‌هایی از این کنش‌ها را در قالب سند ۲۰۳۰ و طرح حذف آیه‌های جهاد و آنچه دعوت به خشونت خوانده می‌شود از کتب مدارس شاهدیم (خبرگزاری بین‌المللی قدس، ۱۳۹۴). مدیریت این قبیل اقدامات در کشورهای اسلامی و ایران تحت کنترل و نظارت موسسه‌ای که مأمور اجرایی کردن مصوبات یونسکو در مدارس می‌باشد اجرایی می‌گردد. این موسسه باهدف نظارت به آنچه مبارزه با افراطی‌گرایی و آموزش‌های خشونت‌آمیز در کتب درسی خوانده می‌شود به وجود آمده است. موسسه مذکور با عنوان (IMPACT-se)^۲، (موسسه نظارت بر صلح و سازگاری فرهنگی در آموزش مدارس) مسئولیت تغییر در متون آموزشی را علی‌الخصوص در منطقه غرب آسیا و کشورهای اسلامی به عهده گرفته است. در بخش معرفی این انستیتو هدف از تأسیس این موسسه را به‌صراحت نظارت بر متون درسی کشورهای خاورمیانه و سپس سایر نقاط جهان اعلام گردیده است (عیدی، ۱۴۰۰).^۳ رهبر معظم انقلاب در این خصوص در بیاناتی عنوان فرمودند که «همان انگیزه‌هایی که به کشورهای اسلامی فشار می‌آورند تا موضوعات جهاد و شهادت را از کتاب‌های درسی حذف کنند، در داخل نیز استمرار پیدا می‌کنند و خود را به‌صورت خرده سیاست‌های فرهنگی نشان می‌دهند» (خرسند، ۱۳۹۶). بر پایه اصول پارادایم پیچیدگی آنچه در این حوزه تعقیب می‌گردد تضعیف باورها و سنن قوام دهنده به فرهنگ کشورها و تضعیف اصلی‌ترین داشته ملل این منطقه یعنی فرهنگ غنی اسلامی است که موجبات تضعیف سرمایه‌های اجتماعی و ترازمندی عمومی، نظم در سیستم و تقویت آنتروپی‌ها را سبب گردیده و ضعف تاب‌آوری اجتماعی این کشورها را از طریق تضعیف سرمایه اجتماعی سبب می‌گردد. به عبارتی از آنجاکه چگالی ارتباطات در یک

1. Cultocybernetic

2. Institute for Monitoring Peace and Cultural Tolerance in School Education IMPACT-se

۳. جهت اطلاعات بیشتر رجوع شود به پایان‌نامه آدرس‌دهی شده در بخش منابع

سیستم از مهم‌ترین عناصر قوام دهنده به ساختار و مرزبندی سیستم محسوب می‌گردد و فرهنگ و سرمایه‌های اجتماعی عاملی اساسی در ایجاد ارتباطات سازنده بین اجزای محور مقاومت می‌باشد پس تضعیف فرهنگی از طریق تغییر ذائقه اجزاء سبب دوری اجزاء و زیرسیستم‌ها از یکدیگر و کاهش چگالی ارتباطات و در نتیجه ضعف درونی شبکه خواهد گردید. نمونه این کنش‌ها را در غالب شدن نگاه سکولار در برخی کشورهای منطقه و دوری تدریجی آن‌ها از آموزه‌های اسلامی و ملی را شاهدیم. بدیهی است اجزای محور مقاومت نیز از این رفتارها مصون نبوده و به‌طور قطع تضعیف فرهنگ قوام دهنده اسلامی و تقویت نگاه قومی و یا ملی‌گرایانه افراطی و یا سکولار از موضوعات جدی در این حوزه خواهد بود. شکست در این بستر حساس و کلیدی سبب ایجاد دوره گذار و سیر و جذب سیستم به نقطه جذاب غریب مطلوب مهاجمین خواهد گردید که به‌طور قطع با سرایت به سایر بسترها شکست آبخاری در سیستم را سبب می‌گردد.



شکل ۷: تهدیدات فرهنگی (نگارندگان)

۳-۹ تهدیدات هیبریدی در بستر اقتصادی

سیاست قدرت را و اقتصاد پول و تولید را در نظر می‌گیرند. با در نظر گرفتن وقایع جهان اثبات گردیده که چگونه پول، قدرت و سود به یکدیگر گره‌خورده‌اند (لار سون و اسکیدمور، ۱۳۹۳: ۷). این مفهوم کلیدی، ابزاری گردیده برای اعمال فشار و یا نفوذ در سایر کشورها و اعمال فشارهایی که در غالب تهدیدات هیبریدی در بستر اقتصادی ظاهر گردیده است. مناسبات جدید اقتصادی و اجتماعی در

پارادایم سرمایه‌داری مبتنی بر نظم نوین ارتباطی، منجر به وابستگی اقتصادی بیشتر کشورها به یکدیگر می‌گردد و گسترش وابستگی اقتصادی کشورها این امکان را فراهم می‌آورد که از این وابستگی در جهت دستیابی به اغراض سیاسی استفاده بهینه به عمل آید. بازیگران هیبریدی سعی خواهند نمود با استفاده از قابلیت‌های علم سایبرنتیک و شاخه اقتصادی آن یعنی اکانو سایبرنتیک از اقتصاد به‌عنوان ابزاری کتتری هوشمند و اهرمی کارآمد در افزایش فشار و بی‌نظمی و بی‌ثباتی در سطوح مختلف کشورهای حاضر در محور مقاومت و منطقه استفاده نمایند و اقتصاد خرد و کلان سیستم هدف را با چالش جدی مواجه سازند. موضوعی که در این میان تعقیب می‌گردد واردکردن سیستم به دوره گذار است که بتواند منجر به ظهور رفتارهای مطلوب‌تری از سیستم گردد. نتیجه این چالش‌زایی که با آسیب‌پذیری‌های داخلی سیستم هدف همگام و هم‌افزا خواهد بود فعلیت نیافتن طیفی از استحقاقات انسان مانند غذا، مراقبت بهداشتی، تحصیل، سرپناه، شغل و امکان کافی برای تحصیل آزادی‌های مشروع، گذران عمر در خشونت و ناامیدی از آینده خواهد بود.

این نبود امنیت و یا ایجاد احساس ناامنی به تدریج اجزاء سیستم را با تغییر وفاداری و سیستم را با عدم مشروعیت، ایجاد رکود، کندی رشد و سرمایه‌گذاری مواجه خواهد ساخت. کاهش رشد برابر تعریف، برابری خواهد کرد با افزایش سطح آنتروپی‌های مثبت در سیستم که در صورت نبود علم و درک کافی از شرایط آشوبی به وجود آمده، عبور سیستم از آستانه تحمل محقق می‌گردد. موضوعی که در قالب تشدید آنتروپی‌ها و ایجاد درد در سیستم و شبکه مقاومت بروز خواهد نمود. ریچارد نیفیو به‌صراحت هدف از تحریم‌های گسترده علیه ایران و سایرین در منطقه را ایجاد درد در سیستم به‌منظور نرمال‌سازی رفتار و از اهداف قطعی اعمال تحریم‌های اقتصادی ذکر می‌نماید (نیفیو، ۲۰۱۷: ۱۰۳). بر این اساس با ادامه فشار سیستمیک و هوشمند در حوزه اقتصاد شبیه به آنچه در لبنان شاهدیم تمامی اجزای محور مقاومت علی‌الخصوص جمهوری اسلامی ایران با طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها و مداخلات و ممانعت‌های اقتصادی از سمت بلوک رقیب مواجه می‌گردند که نتیجه این کنش‌های مخرب را در شرایط اقتصادی فعلی ملل منطقه از لبنان گرفته تا ایران شاهدیم. نظر به نقش تأمین‌کنندگی بستر اقتصادی برای هر موجودیت سیاسی، بدیهی است که ضعف مفرط اقتصادی منجر به ضعف ساختارهای درون سیستم‌های موجود در منطقه گردیده و پیامدهای مخرب جریان‌ناپذیری را در قالب‌های مختلف در پی خواهد داشت (شکل ۸). این موضوع علیه ایران اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. علت این امر را باید در نقش محوریت ایران در تأمین محور مقاومت عنوان نمود.

ضعف فزاینده اقتصادی ایران تأثیر خود را بر حوزه داخلی جمهوری اسلامی ایران از یکسو و بر کلیت محور مقاومت خواهد گمارد.



شکل ۸: تهدیدات اقتصادی (نگارندگان)

۹-۴ تهدیدات هیبریدی در بستر رسانه‌ای

مدیا سایبرنتیک^۱ از حوزه‌های علمی و تأثیرگذاری هوشمند در عصر ارتباطات و حاکمیت جنگ ادراکی است. در عصر جدید اطلاعات، مردم از منابعی مختلف اطلاعات خود را جمع‌آوری و هم‌زمان دیدگاه‌های خود را نیز منتشر می‌کنند (سیب، ۱۳۹۶: ۱۸). برخی از نظریه‌پردازان ارتباطات بیان کرده‌اند که امروز جهان در دست کسی است که رسانه‌ها را در اختیار دارد (بگدیکیان، ۱۳۷۴: ۵). اگر نسل چهارم جنگ‌ها را در ویژگی ورود بازیگران غیردولتی و خروج انحصار تهدیدکنندگی از دست دولت‌ها و در نتیجه بسط مفاهیم امنیتی بدانیم، نسل پنجم نبرد، ضمن در برداشتن خصوصیات نسل چهارم، در حوزه ادراکات و اطلاعات است. در نسل پنجم، خشونت چنان محرمانه پراکنده می‌شود که قربانی حتی از اینکه یک قربانی جنگ است آگاه نیست و او نمی‌داند که جنگ را می‌بازد. رازداری این جنگ آن را به خطرناک‌ترین نسل جنگ در همه زمان‌ها تبدیل می‌کند. این جنگ در پس‌زمینه پنهان می‌شود و موفق‌ترین جنگ‌ها جنگ‌هایی هستند که هرگز شناسایی نمی‌شوند. نسل پنجم همچنین یک جنگ فرهنگی و اخلاقی نیز می‌باشد که درک موضوعات برای ارائه یک دیدگاه دستکاری‌شده در مورد جهان و سیاست تحریف می‌کند (کوریشی، ۲۰۱۹: ۲۰۹).^۲ تهدیدات کالتو سایبرنتیک بیو سایبرنتیک شبیه به

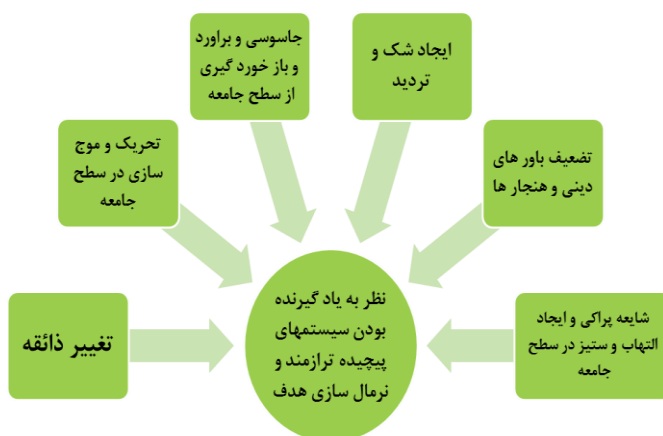
۱. Mediacybernetic

۲. Qureshi

آنچه جهان در پاندمی کرونا تجربه نمود را می‌توان نمونه‌ای از این دست دانست. در جنگ‌ها و یا رقابت‌های نسل پنجم سعی خواهد گردید تا حد امکان از درگیری قطعی و تعیین‌کننده پرهیز گردد و کنترل سرزمین از طریق دست‌آموز کردن سیاسی ملت‌ها از طریق تصاحب قلوب و اذهان و یا در صورت نیاز به وحشت، با پراکندن ترس و نفرت به‌جای تصاحب قلوب و اذهان صورت پذیرد (ویلیمز، ۱۳۹۲: ۲۶۳). در اصطلاح می‌توان آن را جنگی همگام در همه زمینه‌ها و با محوریت جنگ ادراکی در نظر گرفت. بدین سبب در این مدل از جنگ‌ها، تهدیدات عمداً و حساب‌شده متوجه توده‌های انسانی خواهد بود. در این راستا سعی هر چه بیشتر بر ترویج سبک زندگی منطبق با فرهنگ جهانی شدن یا مکدونالیزه کردن جوامع از طریق بستر وب خواهد بود. فرهنگ رسانه‌ای به سبک آمریکایی که منجر به اسکان بخش فراوانی از جوانان در فضای مجازی «دات کام» می‌شود باعث خواهد گردید تهدیدات بخش فرهنگی در همگامی با بستر رسانه تشدید و تقویت گردد (شکل ۹). به دیگر سخن نظر به حساسیت سیستم‌های پیچیده و آشوبی همچون جوامع انسانی به شرایط اولیه و مؤثر بودن کنش‌های هرچند کوچک در اثر برون داده‌های نامتقارن، رسانه به‌عنوان یک سلاح و ابزار تأثیرگذاری بر ادراکات که مشخصه نبردها و تهدیدات نسل پنجمی می‌باشد کاربرد اساسی و کلیدی در تأثیرگذارتر کردن تهدیدات هیبریدی علیه مردم در حوزه جغرافیایی محور مقاومت خواهد داشت.

به عبارتی آنچه را اصل همگام‌سازی در اجرای نمودن تهدیدات هیبریدی می‌نامیم، کنشی است هدفمند برای ایجاد رزونانس در امواج مخرب اعمال‌شده به سیستم تا با تشدید ایجادشده ارکان کنترلی سیستم با بحران تشخیص و کنترل مواجه گردد. بر این اساس ابزار رسانه ارزشمندترین فناوری برای ایجاد تشدید در فشارهای سیستمی در کلیه بسترهای فشار بر هدف می‌باشد. با این مقدمه باید عنوان نماییم کلیه تهدیداتی که بر ملل و اجزای فعال در جغرافیای مقاومت وارد می‌شود با یک پیوست رسانه‌ای هوشمندانه پشتیبانی و تقویت می‌گردند. نمونه‌های فراوانی از این دست را پارها شاهد بوده‌ایم به‌عنوان مثال هرگونه اغتشاش و شورش و درگیری در کشورهای عضو محور مقاومت به‌سرعت از سوی رسانه‌های محور غربی - عبری پوشش هدفمند خواهند داشت و یا هر موضوع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ادراکی با حداکثر دقت بازتاب هوشمندانه خواهند یافت. استفاده از تکنیک‌های رسانه‌ای از قبیل ماریپج سکوت، برجسته‌سازی، دروازه‌بانی خبر و کلیشه‌سازی و غیره باعث می‌گردند افکار عمومی جهت‌دار شده و تغییر نحوه تفکر و ذائقه‌ای که محقق می‌گردد به‌عنوان درون‌داد سیستم، به برون‌دادهای غیرخطی منجر گردد. درون‌دادهایی که شاید برای لمس خروجی آن‌ها و پیش‌بینی این

مفهوم که سیستم در آینده چه رفتاری را نشان خواهد داد مجبور باشیم مدتی را صبر نموده تا آینده از راه برسد. (چوی، ۲۰۰۱: ۳۵۶).^۱ این کنش‌ها قادرند باعث ایجاد خطای محاسباتی در مردم، مسئولین و گروه‌ها و احزاب گردیده و زمینه‌های واگرایی و تضعیف چگال ارتباطات سازنده در درون شاکله محور مقاومت تقویت گردند.



شکل ۹: تهدیدات حوزه رسانه (نگارندگان)

۵-۹ تهدیدات هیبریدی در بستر محیط‌زیست

حوزه ژئوهلت و محیط‌زیست را می‌توان حوزه کلیدی در زمینه توسعه پایدار دانست که بدون توجه به اهمیت این حوزه دم زدن از توسعه پایدار بی‌معناست. حال بنا بر موارد گذشته اگر دوام و قوام سیستم‌ها را درگرو رشد مستمر و تعالی مداوم سیستم‌ها بدانیم، پس اهمیت توسعه پایدار در حوزه‌های جغرافیایی مختلف کاملاً روشن می‌گردد. بازیگران هیبریدی با درکی صحیح از این مؤلفه اساسی در جهت کند و یا متوقف کردن رشد هدف به‌قصد تقویت آنتروپی‌های سیستمی و شاخه‌ای نمودن نظم به این حوزه توجه خاص نشان می‌دهند.

نکته خاص این حوزه ناپیدایی و ابهام و غیر آشکار بودن مداخلات مخرب در این بستر می‌باشد. باید اذعان کرد که رشد فناوری توانمندی مناسبی را در اختیار بازیگران هیبریدی قرار داده است. نمود این ادعا را می‌توان در دانش بایو سایبرنتیک و زیست‌شناسی مصنوعی^۲ و حتی بایو فتونیک^۳ مشاهده

1. Choi, T. Y

2. Synthetic Biology

3. Bio Photonics

نمود. هدف زیست‌شناسی مصنوعی گسترش یا اصلاح رفتار موجودات زنده و مهندسی آن‌ها برای انجام کارهای جدید است (براه، ۲۰۱۹: ۱).^۱ متون منتشرشده از سوی مجمع جهانی اقتصاد در ماجرای ریست بزرگ نیز دارای مؤلفه‌های زیست‌شناسی و بیولوژیک در خصوص کنترل جوامع انسانی که خود قادر است حاکمیت‌های جهانی را با چالش مواجه سازد. اصل سوم در این برنامه جهانی «مه‌ار نوآوری‌های انقلاب صنعتی چهارم برای حمایت از خیر عمومی، به‌ویژه با پرداختن به چالش‌های بهداشتی و اجتماعی است» (world economic forum, 2021). بر این اساس حوزه جغرافیایی غرب آسیا به‌طور هدفمند متأثر از مداخلات زیست‌محیطی مخرب شتابان در مسیر تخریب محیط‌زیست در حرکت است. نمونه‌های فراوانی از این موارد در دسترس است. به‌طور مثال به‌کارگیری هیدرو سایرنیتیک را در عملکرد در حوزه آب توسط ترکیه و روندهای سدسازی این کشور بر رودهای دجله و فرات به‌عنوان تهدیدی هم‌زمان علیه سوریه، عراق و ایران را شاهدیم. همچنین استفاده از بمب‌های اورانیوم ضعیف شده (DU)^۲ در مقیاس بسیار گسترده، تخریب محیط‌زیست در اثر تداوم جنگ‌های مخرب در منطقه، ممانعت از دسترسی کشورهای منطقه به فن‌آوری‌های نوین کنترل‌کننده عوامل آلاینده، جنگ‌های بیولوژیک، تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی منطقه در اثر نیاز به درآمدزایی ناشی از فشارهای هوشمند اقتصادی و غیره همگی مواردی اندک از حجم بالای تهدیدات موجود در این حوزه بر پایه اکو سایرنیتیک می‌باشد.

بدیهی است تخریب هوشمند محیط‌زیست، حوزه منطبق با جغرافیای محور مقاومت را متأثر نموده و گسل‌های قومی و ملی و حتی منطقه‌ای را تشدید خواهد نمود. تخریب‌هایی که با اثرگذاری عمیق بر اقتصاد، روحیه و سلامت و امنیت مردم منطقه، با تبدیل شدن به عاملی برای اعمال فشار سیاسی به کشور هدف، تقویت آنتروپی‌های سیستمی و ممانعت از توسعه پایدار کشور هدف و در نتیجه نابسامانی‌های گسترده و سرایت آن به سایر حوزه‌ها را پیگیری می‌نماید. فقط در یک نمونه مستند میزان استفاده ایالات متحده و هم‌پیمانان این کشور از اورانیوم ضعیف شده در جنگی علیه عراق که پیروزی در آن کاملاً مسجل بود بالغ بر ۱۴۷۴۰۰۰ کیلوگرم تا ۱۶۵۰۰۰۰ کیلوگرم برآورد گردیده است؛ که فعالیت کلی آن‌ها حدود ۳۲۰ تا ۳۶۰ کوری و میزان فعالیت آن‌ها ۱۲۰ تا ۱۳۰ کوری بوده است (پور حیدری، فلاح و جنیدی ۱۳۸۵). علاوه بر موارد گفته‌شده می‌بایست به تهدید نوظهور بر پایه

1. Bera, R. K

2. Depleted Aranium

بایوسایبرنتیک توجهی جدی و عالمانه نشان داد. تهدیداتی که از تلفیق تهدیدات بیولوژیک و دانش سایبرنتیک حاصل می‌گردند قادرند در نقش کنترلی دردناک ظاهر گردند. تجربه کرونا در تحمیل ده‌ها هزار کشته به ایران و سایر کشورهای منطقه زنگ هشدار بهره‌برداری مشابه از این حوزه را علیه محور مقاومت به صدا درآورده است.

۶-۹ تهدیدات هیبریدی علیه محور مقاومت بر بستر فضای مجازی و اجتماعی

در نبرد ترکیبی و چندوجهی، پنج حوزه عملیاتی زمین، دریا، هوا، فضا و فضای مجازی در نظر گرفته شده است. ایده اصلی در متحرک‌سازی جنگ ترکیبی، هم‌افزایی میان بسترها است. (لایتون، ۲۰۱۷)^۱. با توجه به اینکه در تهدیدات هیبریدی با نسل پنجم از جنگ‌ها مواجهیم، پس آنچه هدف زیربنایی برای مهاجمین محسوب می‌گردد ادراک و اذهان اجزاء سیستم است. از طرفی با توجه به اینکه ابزار مهم تأثیرگذاری بر اذهان امروزه، رسانه و ارتباطات بر پایه فناوری‌های نوین دیجیتال و فضای به شدت متلاطم مجازی است می‌توان این‌گونه گفت که حوزه رسانه و شبکه‌های مجازی علی‌رغم ایجاد فرصت‌های فراوان تأثیرگذاری برای جمهوری اسلامی ایران، خطرات بی‌شماری را نیز به ارمغان آورده است و لزوم کنترل این فضا برای حفظ امنیت روانی و سیاسی جامعه از واجبات مدیریت در این حوزه می‌باشد.

بر این اساس در تهدیدات هیبریدی علیه محور مقاومت نقش فضای مجازی در هم‌گامی با سایر بسترها بسیار حیاتی است. این حوزه به‌خوبی قادر است با تغییر تدریجی ذائقه ملت‌ها، ایجاد شبهه و شایعه، ایجاد شک و بی‌اعتمادی به اهداف و رهبران مقاومت، جمع‌آوری اطلاعات برای بازخورد گیری از کنش‌های مهاجمین، جاسوسی، موج‌سازی و تحریکات اجتماعی مورد بهره‌برداری مؤثر واقع گردد. تشدید گسل‌های اجتماعی در مناطق مستعد درگیری‌های قومی، ایجاد خطای محاسباتی در بین واحدهای هدف قرار گرفته شده از مهم‌ترین کارکردهای فضای رها شده مجازی در بین اجزای محور مقاومت می‌باشد که می‌تواند آسیب‌های جدی را در سطوح مختلف ایجاد نماید. این خود موجبات از دست رفتن و یا تضعیف سرمایه‌های اجتماعی به‌عنوان عاملی اساسی در نظم‌بخشی به سیستم اجتماعی را فراهم خواهد آورد. در حقیقت در این مدل از

^۱. Layton

تهدیدات نرم، آنچه هدف قرار می‌گیرد تمامی آن چیزی است که به‌عنوان سرمایه اجتماعی و قوام دهنده یک سیستم تمدنی خوانده می‌شود (عیدی، ۱۴۰۰).

۷-۹ تهدیدات هیبریدی علیه محور مقاومت در بستر سیاسی

تهدیدات در این حوزه در حکم پشتیبان و مکمل حقوقی و دیپلماتیک فشارها در سایر بسترها علیه محور مقاومت عمل می‌نمایند. آنچه در این بستر مشهود است سطح بالایی از اعمال فریب، اتحاد سازی، ممانعت‌های سیاسی، ایجاد خطای محاسباتی و تلاش برای اعمال فشارهای بین‌المللی و حقوقی علیه اجزای محور مقاومت می‌باشد.

نمونه‌های بسیاری از این دست را در قالب تحریم‌های بین‌المللی، قرار دادن نام افراد، گروه‌ها و احزاب در لیست گروه‌های تروریستی، حمایت از گروه‌های مخالف با محور مقاومت، صدور احکام قضایی بین‌المللی علیه اشخاص کلیدی محور مقاومت و اتهام زنی‌های مکرر و بی‌پایان را شاهدیم. به‌عنوان مثال از طرح سازش اعراب و اسرائیل که در منطقه غرب آسیا با عنوان پیمان ابراهیم و یا طرح معامله قرن در حوزه خلیج‌فارس و غرب آسیا پیاده‌سازی شد و هدف از آن ائتلاف‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران و تحت‌فشار قرار دادن محور مقاومت بود نام برد (التیامی، ۱۳۹۹). در نگاه پیچیدگی این تهدیدات قادرند با ایجاد خطا و ایجاد کنترلی سایبرنتیک در سیستم فرماندهی و کنترل اجزای محور مقاومت منجر به تغییر فاجعه‌بار ترجیحات گروه‌های فعال در محور مقاومت گردیده و با ایجاد ناهمترازی در بین اجزاء موجبات کاهش چگالی ارتباطات سازنده و هم‌افزایی را به وجود آورد. خلع سلاح مقاومت، ترغیب به مذاکراتی که هدفی جز مهار برای آن متصور نیست، فریب و تقلیل دادن موضوعات به‌قصد ایجاد خطای ادراکی از جمله مواردی است که به‌اختصار می‌توان از آن یاد نمود.

۸-۹ تهدیدات هیبریدی علیه محور مقاومت در بستر سایبری

همان‌طور که عنوان گردید مشخصه اصلی تهدیدات و جنگ‌های نسل پنجمی عنصر ابهام و ناپیدا بودن و بازی در ناحیه خاکستری می‌باشد. این مشخصات کاملاً بر تهدیدات سایبری منطبق هست. بازیگران هیبریدی به‌منظور پرهیز از پرداخت هزینه‌های جنگ‌های کلاسیک رو به متأثر نمودن سیستم هدف از طریق تهدیدات هیبریدی آورده و راهبرد کنترل سایبرنتیک را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند در این راهبرد اصالت کنترل جریان اطلاعات در فرایند تهدیدات مدنظر است. فضای سایبری به روش‌های گوناگون این هدف را محقق می‌نماید. این بستر فناورانه که با توسعه روزافزون فضای شبکه‌ای، فناوری‌های مرتبط با پردازنده‌های کوانتومی و اقبال مردم به اینترنت و

شبکه جهانی اینترنت بسیار کارآمد گردیده است قادر است اهداف متعددی را محقق نماید. حمله‌های سایبری به تأسیسات کشورهای عضو محور مقاومت، جاسوسی و سرقت اطلاعات، ایجاد اختلال در سیستم‌های کنترلی در کشورهای مختلف، استفاده در قالب آتش تهیه پیش از حملات نظامی، قطع ارتباطات در جوامع هدف و غیره مواردی هستند که قادر است در مواقع حساس اجزاء محور مقاومت را با مشکلات عدیده‌ای مواجه سازد.

حملات مختلف سایبری به جمهوری اسلامی ایران در یکی دو سال اخیر نمونه‌های بسیار مشخصی از این دست است. بر این اساس در صورت تک سایبری، نیروگاه‌ها، خطوط ریلی، پروازهای مسافری، خطوط انتقال نیرو، آب، گاز، سیستم‌های ارتباطی و بانکی همگی در قالب آنچه نسل هفتم^۱ جنگ‌ها خوانده می‌شود دچار آسیب خواهند شد (آلدرمن، ۲۰۱۵). یکی از مهم‌ترین نمونه‌های جنگ سایبری تاکنون استفاده از ویروس استاکس نت علیه تأسیسات هسته‌ای ایران بود که مشترک توسط اسرائیل و ایالات متحده توسعه یافته بود (زاراته، ۱۳۹۷: ۴۶۱). همچنین از ویروس پگاسوس محصول رژیم اشغالگر قدس به عنوان آخرین مدل می‌توان یاد نمود. نظر به حیاتی بودن جریان آزاد اطلاعات برای بازخورد گیری از کنش‌های هیبریدی کنترل این جریان‌ات به سمت بازیگران بسیار حیاتی و موجب قطع سیکل باز خورانی خواهد گردید.

۹-۹ تهدیدات هیبریدی علیه محور مقاومت در بستر نظامی و تروریستی

آخرین بستر از تهدیدات هیبریدی تهدیداتی با چاشنی خشونت فزاینده است که هم‌زمان، همگام و در برخی مواقع پس از ثمربخشی مطلوب سایر بسترها مورد استفاده قرار می‌گیرد که با کمی تساهل می‌توان این بستر را به حوزه‌های مختلف ترور، جنگ نیابتی، حمایت از گروه‌های مسلح و جنگ کلاسیک تقسیم نمود. در این حوزه تهدیدات عیان‌تر و سطح بالایی از خشونت سازمان‌یافته موجودیت‌های هدف را متأثر می‌نماید. نظر به همگامی این خشونت‌ها با اقتصاد نابسامان، فرهنگ استحاله شده، تشدید گسل‌های اجتماعی و سیاسی و قومی و طیف گسترده‌ای از فشارهای سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای، به‌خوبی قابل پیش‌بینی است که در سیستمی با خصوصیات پیچیدگی و آشوب و حساسیت این‌گونه سیستم‌ها به شرایط اولیه چه عواقبی را می‌توان انتظار داشت. در حال حاضر اجزاء محور مقاومت در گستره جغرافیای مقاومت با طیف گسترده‌ای از خشونت قومی، مذهبی، سیاسی،

۱. 7GW

تروریستی و اشغالگری و جنگ دست پنجه نرم می‌نمایند. این کنش‌های مخرب در یک سیکل باز خورانی شرایط اقتصادی و امنیتی و زیست‌محیطی منطقه را با شرایط نامساعدی مواجه ساخته و عاملی برای ایجاد تشدید در اثربخشی تهدیدات در سیستم منطقه‌ای غرب آسیا می‌باشند. کشتار مردم و غیرنظامیان، ترور تأسفبار نخبگان علمی در منطقه در رشته‌های مختلف، صرف شدن دارایی‌های ملل منطقه بابت هزینه‌های کمرشکن نظامی، تشکیل مداوم گروه‌های تروریستی و ضد سیستمی بر مبنای الگوهای فراکتال از نمونه‌های بسیار رایج در منطقه می‌باشند.

از آنجایی که بستر مناسب برای فعالیت‌های تروریستی و تبهکاری بر مبنای سه ضعف عمده نظیر شرایط دولت‌های در مانده، اجاره دهنده و شکست‌خورده مهیا می‌گردد (تهرانیان، ۱۳۹۲: ۸۵). می‌توان مدعی بود که کشورهایی که در جریان تهدیدات هیبریدی به آن حد از ضعف و درماندگی در کنترل کشور رسیده‌اند که نمی‌توانند حاکمیت خود را در تمامی مرزهای سیستم تحت کنترل اعمال نمایند، بسیار مستعد رشد چشمگیر این مدل از فعالیت‌ها می‌باشند. این موضوع نظر به حاکمیت الگوهای فراکتال در سیستم‌های پیچیده باعث خواهد گردید به‌طور مکرر گروه‌های تروریستی و یا ضد سیستمی شکل گرفته و نابسامانی امنیتی جدیدی را ایجاد نمایند. بر اساس نظریه فراکتال، رقابت‌های ژئوپلیتیک و تعارضات و پیچیدگی‌های پر شمار در عرصه سیاست خارجی، شرایط خود همانندسازی و خودسامانی این گروه‌ها را مهیا می‌کند (علی پور، حیدری و فعلی، ۱۳۹۳). تجهیز این گروه‌ها به علوم پیشرفته آن‌ها را قادر خواهد ساخت از گونه‌های نوین تروریسم همچون بیوتروریسم علیه محور مقاومت بهره‌مند گردند.

علاوه بر گروه‌های تروریستی از کنش‌های نظامی کلاسیک و اقدامات میلیتاریستی قدرت‌های ذینفع در منطقه استراتژیک غرب آسیا نمی‌توان چشم پوشید. این کنش‌ها که در همگامی با سایر بسترها با در کثرتی از روش‌ها و جلوه‌های تهدیدآمیز و متعاقب آن افزایش داده‌ها هدفی واحد را دنبال می‌نمایند، موجودیت محور مقاومت را با تهدیدی جدی در فاز سخت مواجه ساخته است. استفاده از سلاح‌های ممنوعه همچون سلاح‌های رادیولوژیک (RDD)^۱ و راهبردهای نوین در استفاده از جنگ مرکب، به‌کارگیری فناوری‌های خیره‌کننده نظامی که امروزه از عمق اقیانوس‌ها تا بالاترین مدارات اتمسفر و خارج از آن گسترش یافته است از جمله عواملی است که باید بدان توجه جدی گردد. نمونه مشهود از این تحولات را در تشکیل و سپس استقرار یگان

1. Radiological Dispersal Device

جنگ فضایی ایالات متحده در عربستان شاهدیم (مینایی، ۱۳۹۷ و ایسنا، ۱۳۹۹). از طرفی بسط سریع فناوری‌های مبتنی بر فیزیک کوانتوم و پیچیدگی و آشوب را در ارتش‌های مدرن شاهدیم که خود عاملی برای تهدید زایی گسترده در جای‌جای سیستم روابط بین‌الملل و خصوصاً منطقه منطبق با جغرافیای مقاومت خواهد شد. نظر به استفاده از این تجهیزات در پشتیبانی رژیم اشغالگر قدس و متحدین عربی ناتو، تکرار آسیب‌های جبران‌ناپذیری همچون ترور سردار شهید سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس برای محور مقاومت متصور است.

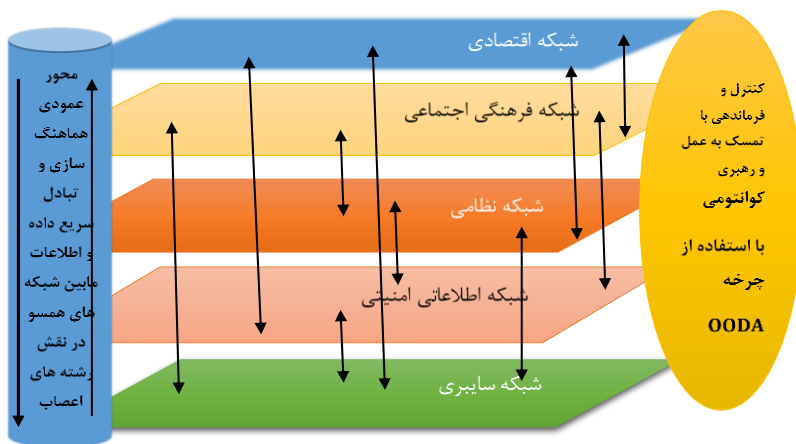


شکل ۱۰: تهدیدات نظامی (نگارندگان)

۱۰. دفاع هیبریدی و شبکه‌سازی بر پایه الگوی فراکتال:

شبکه، ناشی از روابط متقابل از اجزای سیستم‌هایی است که به واسطه ارتباطات درهم‌تنیده در قیدوبند یکدیگر قرار گرفته‌اند و از کنش‌های یکدیگر به شدت تأثیر می‌پذیرند و مرزهای آن با چگالی ارتباطات بین اجزا و نه جغرافیایی خاص مشخص می‌گردد (یزدانی و فرهادی، ۱۳۹۸). در این دیدگاه قدرت دولت‌ها در انزوا حاصل نمی‌گردد بلکه قدرت آن‌ها برآمده از نحوه ارتباطات با سایرین و موقعیتی است که از چنین روابطی حاصل می‌شود (قاسمی ۱۳۹۷: ۲۵۹). پس اگر تهدید را ایجاد و تقویت آتروپی‌ها در سیستم معنا کنیم و نمود آن را در کاهش چگالی ارتباطات سازنده و هم‌افزایی و واگرایی در سیستم تعبیر نماییم پس مواجه با تهدیدات هوشمند هیبریدی باید با ایجاد

شبکه مستحکم بر مبنای آموزه‌های منطبق با الگوهای فراکنال در سازمان‌دهی اجزا همراه گردد. به عبارتی حال که محور مقاومت در تمامی سطوح جهانی، منطقه‌ای و داخلی، با خطر مواجهه با آنتروپی‌های مختلف ناشی از حملات هیبریدی روبرو است، فعال شدن و اثربخشی موفق آن‌ها در هر نقطه از سیستم با تسری به سایرین نظم موجود را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باید توجهات و تصمیم‌گیری نیروهای همسو و دوست به سرعت انجام شود تا دشمنان در چرخه حلقه OODA گرفتار شده و ابتکار عمل در دست ما باقی بماند. به عبارتی می‌بایست عمده نگاه دفاعی به ممانعت از افزایش سطح آنتروپی‌ها در اجزاء و عنصر دارای نقش تأمین‌کنندگی و محوریت معطوف گردد و کنترلی هوشمند و فعال با پیاده‌سازی سیستم‌های کنترلی باقابلیت خود ساماندهی ملاک عمل قرار گرفته تا از سرایت تهدیدات از یک جزء به سایر اجزاء، با قدرت هرچه تمام‌تر ممانعت به عمل آید. حال اگر قدرت را در جدیدترین نوع آن حاصل هم‌افزایی شبکه‌ای باقابلیت استحکام ناشی از خودمانایی بدانیم پس قدرت ناشی از پیچیدگی تهدیدات هیبریدی علیه محور مقاومت را می‌توان با قدرت ناشی از عمل و رهبری کوانتومی^۲ بر بستر شبکه‌ای منطقه‌ای و جهانی خشتی نماییم. بر این اساس لازم می‌نماید که برابر شکل زیر محور مقاومت به خشتی‌سازی تهدیدات هیبریدی توجهی جدی نماید. بدیهی است دفاع صرف راه گشا نبوده و اقدام شبکه پایه و تأثیر محور در سه سطح بازدارندگی، دفاع و تهاجم لازمه موفقیت در این تقابل جدی است. (شکل ۱۲).



۱. Observe, Orient, Decide, Act

۲. تئوری پیچیدگی متکی بر نگاه کوانتومی است

شکل ۱۱: ایجاد ابر شبکه‌ای هم‌افزا از اجزاء محور مقاومت منبع: (نگارندگان)



شکل ۱۲: الگوی دفاع در سه سطح منبع: (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

با تحول سطح سیستم روابط بین‌الملل به سمت پیچیدگی و آشوب و جذابیت استفاده از علم سایبرنتیک، شبکه منطقه‌ای غرب آسیا نیز در سطوح مختلف از گونه نوین از تهدیدات که به تهدیدات هیبریدی شهرت یافتند متأثر گردیده است. تهدیداتی که به هدف ساختاریخشی مطلوب به سیستم منطقه‌ای غرب آسیا، به‌نوعی نرمال‌سازی و یا حذف موجودیت‌های سیاسی این حوزه استراتژیک از جمله محور مقاومت را برای تأمین منافع ناتو و رژیم اشغالگر قدس تعقیب می‌نماید. با این تفسیر تمامی بسترهای حیاتی و البته آسیب‌پذیر منطقه و محور مقاومت با فشار هوشمند و به‌طور برنامه‌ریزی‌شده هدف اعمال فشار و تهدید قرار گرفته و سیستم پیاپی به دوره گذار وارد و با تمسک به علم سایبرنتیک به سمت نقطه جذاب غریب مطلوب غرب سوق داده می‌شود. بدیهی است این فشارها با شاخه‌ای شدن نظم در منطقه منطبق با جغرافیای مقاومت همراه بوده و آسیب‌های متعدد و حاد و مزمنی را متوجه محور مقاومت نموده است که در گستره‌ای از فرهنگ، اقتصاد، اجتماع، فضای سایبری، حوزه نظامی و اطلاعاتی امتداد یافته است. شرایط ملتهب منطقه غرب آسیا به‌خوبی اثرگذاری مخرب این تهدیدات را نشان می‌دهد. هدف از این تهدیدات متکثر در نوع و متحد در هدف همانا ایجاد واگرایی در سطوح مختلف، تضعیف سرمایه‌های اجتماعی، کاهش چگالی ارتباطات سازنده بین اجزای محور مقاومت و غلبه یافتن آنتروپی‌ها در بسترهای مختلف حیاتی کشورها و گروه‌های مشمول محور مقاومت به‌منظور ایجاد درد منجر به اتخاذ رفتار مطلوب در سیستم می‌باشد.

با عنایت به پیچیدگی روزافزون سیستم روابط بین‌الملل و اقبال بیشتر به این نسل از تهدیدات و اجرایی شدن بی‌محابای این تهدیدات در قالب جنگ‌های هیبریدی اتخاذ راهبردهای کاملاً علمی و دانش‌بنیان دفاعی و تهاجمی از سوی نیروهای مسلح و اجزاء هم‌پیمان در محور مقاومت ضروری می‌نماید. بر این اساس با توجه به اصل تنوع اشبی استفاده از تنوع در مقابل پیچیدگی تهدیدات هیبریدی اصلی راهبردی در مقابله با این تهدیدات در فضای مه‌آلود کنونی موجود است. لذا می‌بایست از تمامی ظرفیت‌های موجود در گستره مقاومت در قالب ساختاری فراکتال از اجزای متنوع موجود بهره جست و بدون تقلیل‌گرایی تنش‌ها با غرب و رژیم صهیونیستی به مسائلی همچون توان هسته‌ای ایران یا سلاح مقاومت، به علت‌العلل و زمینه‌ها و بسترهای آسیب‌های مختلف که در بطن راهبردهای کلان بازیگران سطح نظام نهفته است توجه و دفاع و تهاجمی ترکیبی و دانش‌بنیان را برنامه‌ریزی نمود.

منابع

الوانی، سید مهدی، دانایی فرد، حسن (۱۳۹۴). نظریه نظم در بی‌نظمی و مدیریت. تهران: صفار التیامی، رضا (۱۳۹۹). سیاست ترویج بنیادگرایی و بالکانیزه سازی خاورمیانه پس از بیداری اسلامی: تهدیدات پیش روی جمهوری اسلامی ایران و متحدان منطقه‌ای آن، مطالعات بیداری اسلامی، ۹(۱۸).

ایسنا (۱۳۹۹). استقرار نیروی فضایی آمریکا در جبهه‌ای جدید: بیابان‌های عربستان.

<https://www.isna.ir/news/9>

بن، اچ، بگدیکیان (۱۳۷۴). انحصار رسانه‌ها، ترجمه داوود حیدری، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۹۵). جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، جلد اول: ترجمه ابوالقاسم راه چمنی تهران، ابرار معاصر.

پور حیدری، غلامرضا؛ فلاح، فهیمه و حیدری، نعمت‌الله (۱۳۸۵). اثرات مخرب سلاح‌های اورانیومی بر محیط‌زیست، دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۴(۳)، ۹۶۷-۹۷۴.

تهرانیان، مجید (۱۳۹۲). بازاندیشی تمدن ارتباطات و ترور در دهکده جهانی، تهران، سیمای شرق خبرگزاری بین‌المللی قدس (۱۳۹۴). خشنودی صهیونیست‌ها از حذف آیات جهاد در کتب درسی

مصر. <http://godsna.com/fa/204979>

خرسند، علیرضا (۱۳۹۶). سند ۲۰۳۰ کجا را نشانه گرفته است؟ تارنمای خامنه‌ای فارسی‌ای آر، برگرفته است

<https://farsi.khamenei.ir/others-report?id=36515>

داور پناه، محمدرضا (۱۳۹۵). سایبرنتیک نظریه عمومی سیستم‌ها در سیستم‌های مکانیکی و ارگانیکی، تهران: دبیزش.

زاراته، خوان (۱۳۹۷). اتاق جنگ در خزانه‌داری آمریکا، ترجمه مریم اصغر پور، حوا میر محمدیان، تهران، پندار تابان

سیب، فیلیپ (۱۳۹۶). رسانه‌های جدید و آینده دیپلماسی، ترجمه مسعود میرزایی، تهران، آگاه. گریفیتس، مارتین (۲۰۰۵). دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی

- گلابچی، محمود، فرجی، امیر(۱۳۹۲). نظریه‌های نوین در مدیریت پروژه، تهران: دانشگاه تهران
- لار سون، توماس، اسکید مور، دیوید(۱۳۹۳). اقتصاد سیاسی بین‌الملل تلاش برای کسب قدرت و ثروت، ترجمه احمد ساعی، مهدی تقوی، تهران، نشر قومس.
- فرهادی، فرشید، یزدانی، عنایت‌الله(۲۰۲۰). بازسازی مفهومی و نظری بازدارندگی در سامانه‌های پیچیده و آشوبی. سیاست دفاعی، ۲۸(۱۰۹)، ۹-۴۳
- قاسمی، فرهاد(۱۳۹۷). نظریه پیچیدگی - آشوب و جنگ در روابط بین‌الملل. تهران: دانشگاه تهران
- عیدی، جعفر(۱۴۰۰). تهدیدات هیبریدی در غرب آسیا با تمرکز بر محوریت جمهوری اسلامی ایران (پایان‌نامه ارشد)، قابل بازیابی از گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک ش: d0ba8e03e59b3653f9a25686a3f0d589). دانشگاه اصفهان، ایران.
- مینایی، حسین(۱۳۹۷). تشکیل نیروی فضایی ایالات متحده آمریکا، <http://css.ir/hbntjnh>
- نیفیو، ریچارد(۱۳۹۸). هنر تحریم‌ها نگاهی از درون میدان، ترجمه سید علی صادقی، تهران، پیام محراب.
- ویلیامز، پل(۲۰۰۸). درآمدی بر بررسی‌های امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران، امیرکبیر.
- Alderman, R. (2015). *Looking toward 7th and 8th generation warfare*, <https://militaryembedded.com/unmanned/isr/looking-toward-7th-and-8th-generation-warfare>
- Bachmann, S. (2015). Hybrid Wars: The 21 st-Century's New Threats to Global Peace and Security. *Scientia Militaria: South African Journal of Military Studies*, 43(1), 77-98.
- Boisot, M. & McKelvey, B. (2011). Complexity and organization-environment relations: Revisiting Ashby's law of requisite variety. *The Sage handbook of complexity and management*, 279-298.
- Bera, R. K. (2019). Synthetic Biology, Artificial Intelligence, and Quantum Computing. In *Synthetic Biology-New Interdisciplinary Science*. IntechOpen <https://www.intechopen.com/chapters/65149>. -Retrieved 5. January.2022.
- Bunde, T. Oroz, A. (2015). *Munich security report 2015: Collapsing order, reluctant guardians?* Munich Security Conference Foundation.
- Cairney, P. & Geyer, R. (2017). A critical discussion of complexity theory: how does 'complexity thinking' improve our understanding of politics and policymaking? *Complexity, Governance and Networks*, 3(2), 1-11

- Chifu, I. (2015), Hybrid Warfare, Law Fare, Informational War, The Wars Of The Future, The Complex AND Dynamic Nature OF The Security Environmental, 203
- Choi, T. Y. Dooley, K. J. & Rungtusanatham, M. (2001). Supply networks and complex adaptive systems: control versus emergence. *Journal of operations management*, 19(3), 351-366.
- Deshpande.V (2018), Hybrid Warfare the Changing Character of Conflict.
- Filiming, p. (2011), the Hybrid Threat Concept: Contemporary War, Military Plan and the Advent of Unrestricted Operational Art Kansas.
- Fichter, L. S. Pyle, E. J. & Whitmeyer, S. J. (2010), Strategies and rubrics for teaching chaos and complex systems theories as elaborating, self-organizing, and fractionating evolutionary systems. *Journal of Geoscience Education*, 58(2), 65-85.
- Heylighen, F.Joslyn, C. (2001). Cybernetics and second-order cybernetics. *Encyclopedia of physical science & technology*, 4, 155-170
- Layton, P. (2018). *Fifth-generation air warfare*. *Australian Defence Force Journal*, (204), 23.
- Morlidge, S. Player, S. (2010). *Future ready: How to master business forecasting*. John Wiley & Sons.
- Gardner, H. (2015). Hybrid Warfare: Iranian and Russian Versions of "little Green Men" and Contemporary Conflict. NATO Defense College, Research Division.
- Glenn, J. E. (1996). *Chaos Theory: The Essential for Military Applications*.
- Munich security conference, (2015). *SECTION 3, WHO IS READY?* P (34).
- Qureshi, W. A. (2019). Fourth-and Fifth-Generation Warfare: Technology and Perceptions. *San Diego Int'l LJ*, 21, 187.
- World Economic Forum. (2021). Now is the time for a 'great reset'. <https://www.weforum.org/agenda/2020/06/now-is-the-time-for-a-great-reset/>